

### از نقش منفی می‌ترسم

شیوا خسرومهر بازیگر سینما، تلویزیون و تئاتر درباره جدیدترین فعالیت‌های خود در عرصه بازیگری عنوان کرد: نزدیک به سه ماه است که مشغول بازی در سریال «چپه مهندس ۳» به کارگردانی علی غفاری و تهیه‌کنندگی سعید سعدی هستم. البته مدتی به دلیل آماده نبودن فیلمنامه بازی نمی‌کردم اما با آماده شدن آن به کار بازگشتم. بازیگر «مرضیه» در پاسخ به این پرسش که چرا یک بازیگر در سال‌هایی پرکار و در سال‌هایی کم کار است، بیان کرد: یکی از دلایل این موضوع این است که اگر من به عنوان



مثال سر یک کار تئاتر باشم و یک سریال به من پیشنهاد شود چون مشغول بازی در تئاتر هستم کار تصویر را از دست می‌دهم. برخی مواقع دستیاران زمان را هماهنگ و برنامه‌ریزی می‌کنند و من به هر دو می‌رسم اما برخی مواقع هم این اتفاق نمی‌افتد

و کار تصویر را از دست می‌دهم. این تداخل در کارها بزرگترین فاکتور برای کم کاری و پرکاری بازیگران است. بازیگر «چپه مهندس ۳» با اشاره به اینکه متاسفانه هیچ کس به او نقش منفی

**آفتاب یزد - گروه فرهنگی:** همین دیروز بود که گزارش مسیوطی درباره کنش‌ها و واکنش‌های موافقان و مخالفان حضور و تحریم جشنواره فیلم، تئاتر و موسیقی توسط هنرمندان با محوریت متن شهاب حسینی منتشر کردیم. گزارشی که در آن بیان شده بود شهاب حسینی به عنوان یکی از هنرمندان معتقد بود که تحریم جشنواره فجر راه حل درستی در واکنش به حادثه سقوط هواپیما نیست و هنرمندان باید یا حضور خود در تنها جشنواره‌ای که به عنوان مهمترین رویداد هنری سرزمینمان محسوب می‌شود به جامعه کمک کنند تا از شرایط بحرانی عبور کند. اما همانطور که پیش بینی می‌شد پس از انتشار این پست توسط شهاب حسینی، این بازیگر که اتفاقا چهره‌ای موجه کامنتها و اظهارنظرهای مختلف کاربران شبکه مجازی اینستاگرام مضمون نماند و سیل عظیم واکنش‌هایی که گویا اکثریت قریب به اتفاق آنها حاوی سخنان رکیک هم بوده روانه صفحه شخصی شهاب حسینی شد. کامنت‌هایی که گرچه خود شهاب حسینی معتقد است بهترین پاسخ در برابر آنها سکوت است اما بالاخره بازیگر برنده نخل طلای کسن را وادار کرد که در کنار سکوتش بیانه جدیدی را در صفحه اینستاگرامش منتشر کند و با مخاطبانش از این طریق گفتمان روشن‌فکرانه داشته باشد. بازیگر فیلم اسکاری «جدایی نادر از سیمین» در متن متن بیابنه خود اینگونه نوشته بود:

باز هم سلام، اینبار خاصه به همه کسانی که بنده را آماج سیل انتقادات، قضاوتها، فحاشی‌ها و نفرین‌ها قرار دادند و حتی به فرزندان بیگناه بنده هم رحم نکردند. در برابر شما ادب می‌کنم و با نگاهی چون لقمان به شما می‌نگرم و پرهیز می‌کنم از آنچه شما انجام داده اید.

همینطور که فهمم شد با این خشونتی که در

«آر تـور برند» که یک کارآگاه هنری هلندی است و یا لقب «پندپانا جونـز دنباي هنر» شناخته می‌شود، با کشف نسخه باستانی از دیوان حافظ، که خبر آن روزهای گذشته مطرح شده است، افتخارات خود را افزایش داد. آرنت نت نیو، در گزارشی ادعاهایی مطرح کرده است؛ مبنی بر اینکه این اثر که در حقیقت یک دیوان حافظ دست‌نویس، طلاکاری شده و متعلق به قرن چهاردم است، در سال ۲۰۰۷ رپوده شد، کارشناسان ارزش این کتاب را یک میلیون یورو برآورد کرده‌اند و دیگر اینکه به رغم تجربه و مهارت «برند» در زمینه کشف آثار هنری گذشته، کشف محل نگهداری این کتاب قدیمی چالش‌برانگیز بود. حتی ادعا شد که دولت ایران نیز به دنبال این اثر گمشده است.
این کارآگاه هنری بیان کرده است: «کشف این کتاب در حقیقت یک رقابت محسوب می‌شد، اما خوشبختانه کسی اطلاع نداشت که من نیز به دنبال آن هستم.»
با توجه به اطلاعاتی که

### جایزه برای علیرضا قربانی

قطعه «رویا» با آهنگسازی احسان مطوری و خوانندگی علیرضا قربانی برنده جایزه جهانی «آکادمیا» شد. این قطعه با نام لاتین «ال سونینیو» از آلبوم «صداها و پل‌ها» برنده جایزه مطرح جهان در روزهای پایانی سال ۲۰۱۹ شد.
رویا از بین ۱۵۰۰ قطعه در همین سبک و در تمام بخش‌های مدنظر از جمله آهنگسازی، تنظیم و آواز به عنوان بهترین اثر بخش موسیقی جهانی شناخته شد. این قطعه به آهنگسازی احسان مطوری و خوانندگی علیرضا قربانی و سلولانژ مردمیدانر احسان مرداد سال۱۳۹۸ منتشر شد.
آلبوم «صداها و پل‌ها» به زبان فارسی و چند زبان دیگر در دست تولید است. به گزارش خیرانلاین، تا به حال فقط این آهنگ از آلبوم توانسته در قسمت موسیقی جهانی ره زیر نظر داوران معتبری مثل چارلز دیوید دنلر حائز این رتبه در مسابقه شود.



فربیا متخصص یکی از اعضای هیات انتخاب بخش «راديو تئاتر» سی‌وهشتمین جشنواره تئاتر فجر، درباره فرآیند ارزیابی و انتخاب آثار این بخش گفت: امسال در دوره سسی و هشتم جشنواره تئاتر فجر حدود ۴۰ اثر را ارزیابی کردیم. من در انتخاب یک اثر بسیار بر متن متکی هستم و به آن توجه می‌کنم، بیشتر دوست دارم اثر قصه داشته باشد زیرا مخاطب هم در وهله اول قصه را دنبال می‌کند. در جلسات انتخاب نیز هر اثری که قصه بیشتری داشت و به لحاظ دراماتیک قوی تر بود را مدنظر قرار می‌دادم. وی با تاکید بر اهمیت بازی بر کیفیت یک رادیوتئاتر توضیح داد: در انتخاب آثار همچنین به بازی‌ها توجه کردم، برخی از آثار قصه و نمایشنامه خوبی نداشتند اما از سازی قابل قبولی بهره برده بودند و گاهی هم کار از کیفیت بسیار خوبی برخوردار بود اما ضعف بازیگری به آن لطمه می‌زد. به نظرم برخورداری از یک متن خوب ۸۰ درصد از نتیجه یک تئاتر را پیش می‌برد. این متن خوب حتی بازیگران آماتور را با

### پاسخ شهاب حسینی به منتقدان خود

# من هم منتقدم اما الان باید بود و حرف زد

وجود شماسـت، چنانچه در مسند قدرت بودید، عملکردی بهتر از آنچه امروز شاهد هستیم، نداشـتید. عشق و ارادت قلبی به پیامبر اکرم و امامان معصوم، به واسطه پدرم در تار و پودمتنیده، و حتی به قیمت جان حاضر بـه فروختن آن به نهای ناچیز وابستگی سیاسی و فکری به هیچ، این قدرتی چه در ایران و چه در خارج از ایران، نبوده و نیستیم . تا خدا بنده نواز است، به خلقتش چه نیازی؟ جامعه ما بداند تا آخر عمر و به هیچ بهایی دست از عقیده قلبی ام نخواهم کشید. بنابراین انتصاب هرکسی که از اعتقادش سخن می‌گوید، به نهاد قدرت صرفا به خاطر تشابه گفتار اعتقادی در ظاهر، قضاوتی است که طبیعا از کم آگاهی نشات می‌گیرد. بنده هم به عنوان یک ایرانی، دل در گرو سرزمینم و مردم آن دارم. منتقد بسیاری از مواردی هستم که بر سر جامعه ام آمده. منتقد عدم وجود صبوری لازم برای شنیدن

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

بنده در نام فامیلم نام کسی را در شناسنامه دارم

usef.poet@gmail.com

## فرهنگی

نمی‌دهد، به صبا گفت: همیشه نقش‌های مهربان و دوست داشتنی را به من می‌دهند و مخاطبان نیز بازی من در این نقش‌ها را قبول کرده و پذیرفته‌اند. من دوست دارم در نقش منفی ظاهر شوم چراکه بسیار جای کار دارد اما می‌ترسم. فرد معروفی نیستم اما به جرات می‌گویم بین مردم محبوبم و می‌ترسم با بازی در نقش منفی از محبوبیت من کم شود. بازی در نقش منفی ریسک است اما شاید یک روزی نقش منفی کار کردم.



اعتراضات به حق مردم هستم. منتقد نوع روابطی با مردم پرششگر در سال هشتاد و هشت هستم. منتقد آن دستپاچگی و عجله‌ای هستم که منجر به فاجعه سقوط هواپیمای مسافربری شد. این را معتقدم الان وقت کنار کشیدن نیست. تحریم فسحتیوال و عدم حضور راه چاره نیست. چرا که جا برای کسانی بازمی‌شود که انگیزه‌های دیگری دارند. الان باید بود و حرف زد. دست از ظاهر بینی برداریم. چطور نمی‌توانیم دستت از انصراف برداریم، در حالی که کارهایی در کارنامه خود داریم که بودجه آن از نهادهای قدرت تأمین شده‌است؟ اگر ریاکاری نیست، پس چیست؟ به اندازه مثنوی هفتاد من می‌توان نوشت، اما در حوصله مخاطب نمی‌گنجد. دیر یـا زود ناگزیر از ترک اینـ گردونه عظیم خواهیم شد. هرکه هستیم، هرکجاستیم و بر هر مستندی که تکیه زده ایم .

کتاب را به دولت ایران اهدا کرد که به دنبال آن، تقاضای بازگردانده شدن تمامی این مجموعه درخواست از سوری دولت ایران مطرح شد؛اگرچه این درخواست از سوری دادگاه آلمان رد شد. برند همچنین پس از طرح ادعاهایی بی‌سند و نیز ارایه اطلاعات غلط درباره فرهنگ ایرانی، مدعی شده که پس از پرس و جو از تعداد بسیاری زیادی واسطه، کاوش برای کشف این کتاب، و در ۲۰۱۱ ردیابی، دستگیر و ۱۷۵ کتاب و نسخه را بازیابی کند اما «دیوان حافظ» که مهم‌ترین اثرمجموعه این مجموعه‌دار ایرانی محسوب می‌شود، در میان آثار کشف‌شده نبود. طبق برخی روایات، قدمت این اثر به ۱۴۶۲ یا ۱۴۶۲ میلادی بازمی‌گردد. از آنجایی که حافظ در سال ۱۲۸۹ میلادی درگذشته است، این کتاب را یکی از قدیمی‌ترین نسخه‌های موجود از «دیوان حافظ» می‌توان محسوب کرد. این گزارش ادعا می‌کند که «قاضی» به میل خود دو

## استرپ در «اینجاییم ...»

مریل استریپ تبدیل به جدیدترین نام بزرگ‌هالیوودی شده که دارد به ایل می‌رود. این بازیگر موفق قرار است راوی یک فیلم انیمیشن کوتاه جدید درباره روز زمین باشد که قرار است روز هفدهم آوریل در اپل تـی‌وی پلاس پیش‌نمایش بشود. این فیلم کوتاه که «اینجاییم: یادداشت‌هایی برای زندگی کردن روی سیاره زمین» نام گرفته همچنین از صداهای کریس او داود ستاره فلاند و نرژو از اول سپتامبر (۱۰ شهریور) آغاز شد که با نمایش در کشورها آمریکا، روسیه، ارمنستان، آذربایجان، تاجیکستان، ترکمنستان، ازبکستان، اوکراین، بالتیک (لتونی، لیتوانی، استونی) بیلوروسی، قزاقستان، قرقیزستان و ... ادامه پیدا می‌کند.به گزارش ایسنا، «آخرین داستان» با برداشتی آزاد از شاهنامه فردوسی به روایت قصه ضحاک ماردوش، کاوه آهنگر و آفریدون می‌پردازد.



نمی‌برد. متخصص در پاسخ به اینکه گونه ترکیبی رادیوتئاتر با برخورداری از چه مشخصه‌هایی می‌تواند مخاطب را با خود همراه کند، عنوان کرد: به نظرم کیفیت رادیو در ایجاد فضایی تصویری و خیال‌انگیزی در ذهن شنوندگان است و حتی افرادی که از نعمت بینایی بی‌بهره هستند با رادیو ارتباط خوبی برقرار می‌کنند. وی در پایان یادآور شد: رادیو به دلیل نداشتن تصویر، این امکان را برای مخاطب فراهم می‌کند تا خود صداها را در تصورات خود به تصویر تبدیل کند و از این نظر منحصر بفرد است اما وقتی این صدای تصویرساز به رادیوتئاتر تبدیل می‌شود، باید ما به ازای مورد انتظار را داشته باشیم. در واقع شنونده باید به اندازه آنچه می‌شنود و برایش اجرا می‌شود، انتظار داشته باشد نه صورتاتش. حال اگر تصویر و صداستاز با هم متناسب باشند می‌توان گفت اثر جذابی تولید شده است. به گزارش مهر، سسی و هشتمین جشنواره بین المللی تئاتر فجر به دبیری نادر برهانی مرند بهمن ماه امسال در تهران برگزار می‌شود.



یکشنبه ۲۹ دی ۱۳۹۸ • شماره ۵۶۵۳

## آفتاب

### خانه سینما در شبکه‌های مجازی حضور ندارد

**روابط عمومی خانه سینما در اطلاعیه‌ای اعلام کرد که خانه سینما هیچ صفحه‌ای در شبکه‌های اجتماعی ندارد و مسئولان آن، داشتن هر صفحه‌ای به نام خانه سینما را تکذیب کردند. بر اساس این اطلاعیه هرگونه خبر، اعلام موضع و اظهار نظر درباره جامعه اصناف سینمایی (خانه سینما) صرفا از طریق سایت، مصاحبه با رسانه‌ها، سخنگو و یا روابط عمومی خانه سینما مورد تأییداست.**

### یادداشت

مخصوص آدمیابه که تو ایران زندگی می‌کنی. «خدم گرفته بود. دوستم گفت: واسه چی می‌خندی؟

گفتم: واسه اینکه حق با توه.

گفت: درباره «چه عالی»؟

گفتم: نه. در مورد «قلیم»

گفت: گوشاتو به کارواش ببر. من گفتم: «چه عالی» رو مدام تکرار می‌کنه. تازه منظورم خانم بازیگر بود نه اون کارشناس. گفتم: خب تو به کشفی کردی. منم به کشفی کردم.

با طعنه گفت: کفش شما چی بوده مثلا؟

گفتم: «قلیسم» چون این کلمه اقلیم رو تو آگهی‌های بازرگانی دیگه هم شنیدم چند بار.

گفت: واقعا؟

گفتم: بله.

گفت: فکر کردم تلویزیون نگاه نمی‌کنی. گفتم: سریالا و فیلم سینماییاشو نگاه نمی‌کنم اما به طرز دیوانه کننده‌ای وقت می‌ذارم تلبلیاتشو نگاه می‌کنم. اونم دقیقا با همین دقت نظری که تو خیره شده بودی به تلویزیون.

گمت: واقعا؟

گفتم: بله. تازه اونقدر وسواسم زیاد شده که میرم تو اینترنت تو گوگل می‌زنم دانلود تبلیغات تلویزیون. بعد همه رو دانلود می‌کنم. شنب تا صبح می‌شینم نگاه می‌کنم. پس که جدابه. همین ماه اونقدر تبلیغ تلویزیونی دانلود کردم که حجم اینترنتم به موعد نرسیده تموم شد و مجبور شدم دوباره حجم اضافه بخرم.

گفت: واقعا؟

گفتم: زهرمار. تو هم که شدی شبیه این

بازیگره. مدام می‌گی واقعا واقعا.

اومد دوباره بگه واقعا که دستمو گذاشتم جلو دهنش گفتم: نمی‌خواد بگی. جای بریز وردار ببار.

گفت: من؟

گفتم: بله تو. من دم کردم تو هم بریز ببار.

آسون زمین میاد؟

پاشد رفت سمت آشپزخونه و من موندم و تلویزیون و برنامه تبلیغاتی کرم پوست، خانم مجری در حالیکه واسه خاطر په تیوب کرم انگار تو دلش قند اب کرده بودن در حالیکه کاملا معلوم بود که از پشت دوربین یکی بهش اشاره کرد که این سوال رو هم بپرس، رو کرد به خانم کارشناس و گفت: بیخشید به سوال دیگه هم همین الان به ذهنم رسید. می‌خواستم ببینم که آقایون هم می‌تونن از این کرم استفاده کنن. خانم کارشناس هم با لبخندی در جوابش گفت: بله. کرم‌های ما مرد و زن و کوچیک و بزرگ و پیر و جوان نداره. بعضیا فکر می‌کنن کرم رو فقط باید خانم‌ها استفاده کنن در صورتی که اصلا اینطور نیست. آقایون هم می‌تونن استفاده کنن. اینجاسا بود که خانم مجری در حالیکه به شدت شگفت زده شده بود دوباره گفت: چه عالی.

برنامه تبلیغاتی داشت تموم می‌شد که دوستم سینی به دست برگشت و نشست کنارم و فنجانوش چسای رو جلوم گذاشت و گفت:

«بفرمایید» و بعدش نشست کنار من و با هم مشغول تماشای پایان برنامه تبلیغاتی شدیم. به نگاه به فنجان چای کردم به نگاه به رفیقم، بعد گفتم: اگه نمی‌میری برو قندشو ببار و زیر لب ادامه دادم: عروس نشندی خوبه. تو تا اومد بلند شه بره قندتون بباره دوباره نشست سر جاش و با فریاد گفت: دیدی چی شد؟

گفتم: چه مرگته؟ قلبم وایستاد. چی شد؟

گفت: نگاه نگاه نمی‌کنی؟ جای مجری و کارشناس عوض شد. جای اینکس مجری خداحافظی کنه کارشناسه پایان برنامه رو اعلام کرد و خداحافظی کرد.

گفتم: اینم از خلایق‌های تصویری تلویزیونه.

گفت: فقط نگو که می‌خوای اینو هم دانلود کنی.

گفتم: میگه تو گذاشتی من نگاه کنم؟ حتما دانلود می‌کنم و سر فرصت به دل سیر نگاه می‌کنم. پاشو برو قند ببار این بیخ کرد.

او هم بلند شد و در حالیکه با حرکات دلقک واری به سمت آشپزخونه می‌گرفت با مسخره بازی گفت: چه عالی، چه عالی و چه عالی.

### چه عالی!



رفیقم بعد از مدت‌ها اومده بود خونمون و با هم به گپ و گفت نشستیم بودیم و تلویزیون هم داشت واسه خودش برنامه پخش می‌کرد. هنوز چند دقیقه‌ا از ورود دوستم نگذشته بود که بخار جوشیدن سماور بهم علامت داد که موقعه‌ش بری چای رو دم کنی. پاشدم و در حالیکه به سمت آشپزخونه می‌رفتم واسه اینکه ادای آدم پولدارا رو در بیارم مثل این فیلم‌های‌هالیوودی گفتم: چای؟ قهوه یا نسکافه؟ سرشو از روزنامه بلند کرد و بهم گفت: نگام کن ببینم؟ نگاهمو

ازش دزدیدم و نیشخند زنان به سرعت به سمت سماور رفتم که دوباره گفت: تو به لیوان آب دستت ما بده نسکافه و قهوه پیشکشت. نمی‌شناسمت؟ دست اسکروچ رو از پشت بستی. چند دقیقه‌ای تو آشپزخونه موندم تا غرولندش تموم شه. همین حین و بین رفیقم صدای تلویزیون رو کمی‌بلندتر کرد و مثل آدمیابه که بار اوله دارن تلویزیون نگاه می‌کنن چنان به صفحه به اصطلاح جادویی خیره شد که هر کی می‌دونست فکر می‌کرد از قحطی برگشته. تو مسیر برگشت از آشپزخونه به پذیرایی با اینکه از کنارش رد شدی و حتی به لیاسم با لباسش به تماس مویی هم داشت اما متوجه نشد. در حالیکه همینطور متعجب داشتیم نگاهش می‌کردم، گفتم: الان جای دم می‌کشه.

اما اون اصلا تو باغ من نبود. رومو ازش برگردوندم و چش تو چش تلویزیون شدم تا ببینم چی نشون میده که اون مثل برق گرفته‌ها جلوی تلویزیون خشکش زده بود. یکی از شبکه‌ها داشت به برنامه تبلیغاتی پخش می‌کرد. آگهی بازیگانی نها. برنامه تبلیغاتی. یعنی تلویزیون به پخش آگهی بازرگانی چند ثانیه‌ای اکتفا نکرده و برای اون شرکتی که خواستار پخش آگهی‌ش از رسانه ملی بود به برنامه چند دقیقه‌ای (یخوندی نیم‌ساعته) در نظر گرفته بود‌برای ساخت همین برنامه‌ای هم کلی پول گرفته بود لابد. مجری برنامه طبق عادت چند وقت اخیر صدا و سیما یکی از خانم‌های بازیگر تلویزیون بود و روپروش هم کارشناس اون شرکتی که محصولش قرار بود توی تلویزیون تبلیغ بشه نشسته بود. دوباره رومو سمت دوستم چرخوندم و گفتم: چه؟ عاتقش شدی؟ مجرد نیستا.

اما اون توجهی بهم نکرد و به خیره موندن به صفحه تلویزیون ادامه داد. ایندفعه صدمام اوداختم رو سرم و تقریبا با فریاد گفتم: خب می‌خواستی تلویزیون تموشا کنی تو خونه ات می‌موندی واسه چی اومدی پیش من؟ چی داره نشون میده مثل سوسک چسبیدی به پیشه

تلویزیون؟ غمباد گرفتیم بابا. به دفه مثل اینکه برق گرفته باشتش صورتشو چرخوند سمتم و گفت: ها؟ گفتم : مرگ. به ساعته چپیدی اون تو، حالا خوبه برنامه تبلیغاتیته. اگه «مرد ایرلندی» پخش می‌کرد چیکار می‌کردی؟

گفت: اخه خیلی تابلسو تبلیغ می‌کنن. خیلی مصنوعیه. تو می‌گی به ساعته چپیدم تو این تلویزیون این خانم بازیگره هر جمله‌ای که از دهن این کارشناسه درباره کرم تبلیغاتی‌شون در میاد میگه: «چه عالی»

گفتم: همین؟ به ساعته چشاتو چسبوندی به شیشه تلویزیون واسه خاطر دو تا کلمه؟

گفت: خب همین. اون کارشناسه هرچی می‌گی این خانمه میگه «چه عالی» یعنی چی؟ خب به چیزدیگه بگو. مثلا بازیگری البته تقصیر بازیگره نیستا. تقصیر کارگردانه. چهار تا دیالوگ نداده به این مجریش که وقتی کارشناسه داره حرف می‌زنه بهش بگه بفرما دوباره گفت «چه عالی».

نگاه کردم به تلویزیون. خانم کارشناس داشت تبلیغ به کرم پوست رو می‌کرد و بالطبع طبق عادت تبلیغات مختلف تلویزیونی در مورد هر آرایشی بهداشتی داشت می‌گفت که «این کرم برای آب و هوا و «قلیم» ایران ساخته شده و

### کوتاه از هنر

## «دارودسته‌های نیویورکی» در موزه دفاع مقدس

**آفتاب یزد:** فیلم سینمایی «دارودسته‌های نیویورکی» به کارگردانی «مارتین اسکورسیزی» سرزن یک‌شنبه «۲۹ دی ماه» پس از آکران در سالن هویزه موزه انقلاب

اسلامی و دفاع مقدس، با حضور «محمدتقی فهیم» منتقد سینما نقد و بررسی می‌شود. دارودسته‌های نیویورکی، در سال ۲۰۰۲ توسط مارتین

اسکورسیزی کارگردانی شد. از بازیگران این فیلم می‌توان لئوناردو دی‌کاپریو، کامرون دیاز و دانیل دی لوییس را نام برد. این فیلم سال ۲۰۰۳، نامزد دریافت ۱۰ اسکار به خصوص جایزه اسکار بهترین کارگردانی و جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش اول مرد شد. این فیلم اقتباسی



لیام نیسون) که سردسته گروهی ایرلندی به نام خرگوش‌های مرده است را می‌کشد و آمریکایی‌ها پیروز می‌شوند. بعد از گذشت شانزده سال پسر کشیش، امستردام (با بازی لئوناردو دی کاپریو) به نیویورک بازمی‌گردد تا از بیل به خاطر مرگ پدرش انتقام بگیرد.